

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۸۰

تأثیر آموزشهای فنی - حرفه‌ای (قالیافی) بر اقتصاد روستایان

دکتر غلامحسین زمانی، محمدجعفر طالبیان پور*

چکیده

انجام ارزشیابی دلایل مهمی دارد که از جمله می‌توان به هدایت اقدامات آینده و جهت‌دهی به آن، اصلاح و بهبود برنامه‌های جاری ترویج و پی‌ریزی برنامه‌های آینده اشاره کرد. از سوی دیگر، ارزشیابی برنامه‌های آموزشی موجب تداوم و استحکام برنامه‌ریزی می‌شود. آموزشهای فنی - حرفه‌ای (قالیافی) یکی از برنامه‌هایی است که به طور گسترده در معاونت ترویج و مشارکتهای مردمی وزارت جهادسازندگی (پیشین) مورد توجه قرار گرفته و از سال ۱۳۷۰ اجرا شده است. در مطالعه حاضر، میزان اثر بخشی این برنامه‌ها تعیین می‌شود. بدین منظور ۱۲۶ زن قالیافی شرکت کننده در این دوره‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی انتخاب

* به ترتیب: دانشیار و دانشجوی پیشین کارشناسی ارشد بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز.

شدند. این پژوهش نشان می‌دهد که میانگین تولید قالی در شهرستان گچساران به طور معنی‌داری از دو شهرستان دیگر مورد مطالعه (یاسوج و کهگیلویه) بیشتر است. از سوی دیگر، از نظر میانگین امتیاز اثربخشی، حرفه قالببافی در میان انواع مشاغل بیشترین امتیاز را به خود اختصاص می‌دهد. در این مطالعه همچنین نشان داده می‌شود که خودباوری فراگیران در زمینه توانایی عملی برای قالببافی، پس از شرکت در کلاسهای آموزشی، افزایش می‌یابد. میانگین امتیاز اثربخشی نیز در مورد فراگیرانی که امکانات و تسهیلات قالببافی دریافت کرده‌اند بیشتر از فراگیرانی است که این تسهیلات را دریافت نکرده‌اند. از سوی دیگر، با مقایسه تعداد دفعات مشارکت فراگیر در دوره‌های آموزشی می‌توان دریافت که فراگیرانی که سه بار در این دوره‌ها شرکت کرده‌اند، امتیاز اثربخشی بیشتری نسبت به فراگیران دیگر به دست آورده‌اند. این موضوع تعداد بهینه برگزاری و شرکت فراگیران را در کلاسهای آموزشی نشان می‌دهد. در نهایت، پیشنهادهایی برای افزایش اثربخشی این دوره‌ها ارائه شده است.

کلید واژه‌ها:

ارزشیابی، اثربخشی، دوره‌های آموزشی فنی - حرفه‌ای، قالببافی.

مقدمه

ارزشیابی، فعالیتی است که همگی به طور روزانه با آن درگیریم؛ زیرا که هواره در حال قضاوت نسبت به ارزش و یا اهمیت تجربه‌ها و یا اموری هستیم که انجام می‌دهیم. انجام ارزشیابی دلایل مهمی دارد که از جمله می‌توان به هدایت اقدامات آینده و جهت‌دهی به آن، اصلاح و بهبود برنامه‌های جاری ترویج و پی‌ریزی برنامه‌های آینده اشاره کرد. همچنین انجام ارزشیابی در جایی اهمیت دارد که پاسخگویی و مسئولیت عامل مهمی به شمار می‌آید. اطلاعات به دست آمده از ارزشیابی را می‌توان به آگاهی افراد حقیقی یا حقوقی رساند که به گونه‌ای با ترویج در ارتباط و یا نگران کارایی آن هستند.

افزون براین، از اطلاعات بازگشتی طی ارزشیابی برنامه می‌توان برای بهبود روحیه

کارکنان ترویج بهره‌گرفت (سپرسد و هندرسو، ۱۳۷۰).

مک کازلین و تورز (McCaslin and Torres, 1998) به نقل از ورتسن و ساندرز

(Worthen and Sanders) ارزشیابی را قضاوت در مورد تعیین ارزش برنامه‌ای تعریف می‌کنند

که استفاده از اطلاعاتش سبب بهبود آن برنامه می‌شود. در ترویج، ارزشیابی را می‌توان عملیاتی

دانست که برای بررسی محصول برنامه‌ای یا طرحی با توجه به هدفهای آن برنامه طراحی

می‌شود. معلمان کشاورزی به منظور تقویت و بهبود کیفیت برنامه‌هایشان برای دستورعمل‌های

آینده به اطلاعات عینی جهت تصمیمگیری نیاز دارند که در این راستا از ارزشیابی می‌توان در

تهیه اطلاعات پیشگفته بهره‌گرفت.

پاتون، ارزشیابی در زمینه ترویج کشاورزی را اینچنین تعریف می‌کند: «ارزشیابی

فرآیندی است که در آن میزان ارتباط هدف با مقصود، حدود دستیابی به هدفها، ثمربخشی

روشهای به کار گرفته‌شده و کارایی بهره‌گیری از منابع به گونه‌ای نظام یافته مورد سنجش و

داوری قرار می‌گیرد.» (Patton, 1987).

کرونباخ تعریف ساده‌ای از ارزشیابی به دست می‌دهد که چنین است: گردآوری و استفاده

از اطلاعات برای تصمیمگیری درباره برنامه‌های آموزشی. از نظر ملکم پرووس ارزشیابی

عبارت است از: توافق درباره استانداردهای برنامه، تعیین اینکه آیا تفاوتی میان بعضی از

جنبه‌های برنامه و استانداردهای مورد نظر برای آنها وجود دارد و استفاده از اطلاعات مربوط

به تفاوت‌های یاد شده برای مشخص کردن نارساییهای برنامه. تعریف دانیل استافل‌بیم از ارزشیابی

نیز چنین است: فراگرد تعیین گردآوری و فراهم آوردن اطلاعات لازم برای قضاوت درباره

گزینه‌های تصمیمگیری.

بدین ترتیب، "تصمیمگیری" وجه مشترک همه تعریفهای یاد شده است. از این رو،

ارزشیابی بی‌فایده است مگر آنکه اطلاعات به دست آمده از آن برای تصمیمگیری به کار گرفته

شود (بولا، ۱۳۵۹).

به منظور به کارگیری هدفها در ارزشیابی باید به ستانده‌ها و تأثیرات نهایی برنامه‌های ترویجی یا به طور کلی تأثیرات اجتماعی آنها پرداخت (Hyman, 1985). پاتون (Patton, 1987) بر این باور است که تمام رهیافتهای ارزشیابی اثربخشی را می‌توان به نوعی زیرمجموعه رهیافت ارزشیابی هدفگرا به شمار آورد، زیرا در این رهیافت بر هدفهای ویژه و اختصاصی یک برنامه به عنوان معیاری برای تعیین میزان موفقیت تأکید می‌شود.

ارزشیابی اثربخشی

اثربخشی به مفهوم درجه دستیابی به هدفهای برنامه است. در ارزشیابی اثربخشی، مشکل، نامحسوس بودن هدفهاست بدین معنا که از نظر کمی و ظاهری، تعیین میزان دستیابی به هدفها مشکل است. حدود دستیابی به هدفها در تعیین میزان اثربخشی، ساده به نظر می‌رسد ولی تعیین حالت مطلوب کارها اغلب مشکل است. سازمانها اغلب هدفهای گوناگونی دارند که برخی اوقات با هم در تضادند و یا ممکن است درخور کمی شدن نباشند و هرکس از آن برداشت خاصی داشته باشد. بنابراین به منظور به کارگیری هدفها در ارزشیابی اثربخشی باید به مواردی توجه کرد. برای بررسی میزان دستیابی به هدفها در ارزشیابی اثربخشی باید به ستانده‌ها و تأثیرات نهایی برنامه‌های ترویجی یا به طور کلی تأثیرات اجتماعی آنها پرداخت (Hyman, 1985).

ملاک اثربخشی به طور معمول رفتارهایی است که مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد. با وجود این، ملاک سنجش، تنها خود رفتار نمی‌تواند باشد، بلکه رفتار نسبت به انتظارات معینی که ارزشیاب برای رفتار قائل می‌شود باید مورد سنجش قرار گیرد. در نتیجه، رفتار یک نقش معین، در آن واحد، ممکن است از سوی گروههای گوناگون ارزشیابی شود.

صاحب نظران، تعریفهای مختلفی از ارزشیابی اثربخشی به دست داده‌اند که در همگی به نوعی به دستیابی هدفها اشاره شده است. تزیونی (۱۹۶۷) بر این باور است که اثربخشی واقعی سازمانی خاص از راه درجه و میزانی که سازمان به هدفهایش دست می‌یابد تعیین می‌شود. اوجمن و سی‌شور (۱۹۶۷) اثربخشی سازمانی را توانایی بهره‌برداری از محیط و کسب منابع کمیاب و

ارزشمند برای تداوم کارکرد تعریف می‌کنند. رایبیز (۱۹۹۰) اثربخشی سازمانی را میزان کسب هدفهای کوتاهمدت و درازمدت با توجه به انتظارات کسانی که از آن سود می‌برند یا ارزشیابی کنندگان تعریف می‌کند (کاظمی، ۱۳۷۵).

معرفی کلاسهای قالبیابی جهاد

پس از جنگ جهانی دوم، اهمیت آموزشهای فنی و حرفه‌ای در جهان باعث شد تا وزارتخانه‌ها و یا بخشهای مهمی به منظور آموزش فنی و حرفه‌ای ایجاد شود. افزایش ۴۵ درصدی دانش آموزان فنی و حرفه‌ای در جهان در برابر افزایش ۳۹ درصدی دانش آموزان دوره عمومی گویای این نظریه است که در کشورهای اروپایی تعداد دانش آموزان دوره عمومی چهار برابر تعداد دانش آموزان دوره‌های فنی و حرفه‌ای است، در حالی که در کشورهای در حال توسعه این نسبت ۸ برابر و در کشورهای آفریقایی ۱۵ برابر است (مرجانی، ۱۳۷۷).

صنایع روستایی، که در برگیرنده صنایع دستی و صنایع خانگی مستقر در روستاست، به وسیله مردم روستا اداره می‌شود زیرا شیوه‌های به کار رفته در آن مستلزم نیروی کار محلی است (مدیریت ترویج خراسان، ۱۳۷۲). فرش یکی از صنایع دستی مهم است که سهم بسزایی در صادرات مواد غیرنفتی دارد. به رغم اهمیت فراوان صادرات فرش ایران صادرات این کالا، به دلیل کیفیت پایین آن در رقابت با دیگر تولیدکنندگان فرش در دنیا، بسیار کاهش یافته است.

توجه به "آموزش" در کنار دیگر عوامل یکی از ابزارهای قوی در راستای قوام بخشیدن و تقویت این صنعت است. به طور کلی، با توجه به اینکه توسعه آموزشهای عمومی، به عنوان اساس کار توسعه منابع انسانی در جوامع روستایی، ضرورتی انکارناپذیر در امر آموزش و پرورش دختران روستایی تلقی می‌شود، توسعه آموزشهای اساسی و توجه به زمینه‌های سازندگی معنوی فرد (دربگیرنده: سواد آموزی و آموزشهای دینی، فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی) نیز برای دختران روستایی باید مورد توجه قرار گیرد. توجه به آموزش و پرورش دختران روستایی حق است که والدین در قبال آن مسئولیت دارند، زیرا زنان و دختران

روستایی عصری از جامعه آماری به شمار می آیند که باید برای پذیرش این عضویت آماده شوند.

با توجه به اهمیت آموزشهای قالبیابی، این آموزشها از سال ۱۳۷۰ به طور گسترده در معاونت ترویج و مشارکتهای مردمی وزارت جهاد سازندگی (پیشین) مورد توجه قرار گرفته به طوری که برگزاری آن در استانها با نظارت مدیریت ترویج و مشارکت مردمی جهاد استان از سوی اداره ترویج جهاد شهرستانها به اجرا درآمده است. هدف از این آموزشها، که مریبان محلی آن را اجرا کرده اند، افزایش درآمد روستاییان از راه بالا بردن تولید، شناساندن فرش ایرانی، عوامل تشکیل دهنده فرش، ایجاد مهارت قالبیابی و فراهم آوردن زمینه های افزایش کمی تولید قالی در سطح کشور است. فراگیران این کلاسها، که حداقل ۱۵ سال و حداکثر ۴۵ سال دارند، همگی زنان روستایی هستند که حداقل سطح سواد آنها باید خواندن و نوشتن باشد. فراگیران همچنین باید از سلامت کامل جسمانی و روانی برخوردار باشند. مدت اجرای این آموزشهای غیررسمی نزدیک به ۳ ماه است. مواد و لوازم آموزشی را مواردی چون: دار قالی، وسایل و ابزار قالبیابی و مواد اولیه معرفی نقشه در برمی گیرد و گنجایش یک دوره آموزشی ۱۴-۱۶ نفر است.

هدف پژوهش

هدف این پژوهش، تعیین میزان اثربخشی (ارزشیابی اثربخشی) دوره های آموزشی قالبیابی است که از سوی سازمان جهاد سازندگی در روستاهای استان کهگیلویه و بویراحمد اجرا شده است. در راستای هدف کلی پیشگفته هدفهای اختصاصی زیر نیز مورد سنجش قرار می گیرد:

۱. مقایسه درآمد فراگیران در منطقه مورد مطالعه
۲. تأثیر کلاسهای آموزشی بر افزایش میزان تولید قالی
۳. تأثیر علاقه و خودباوری فراگیران بر اثربخشی کلاسهای آموزشی
۴. تأثیر تسهیلات و امکانات بر اثربخشی کلاسهای آموزشی
۵. تأثیر تعداد و محتوای دوره ها بر اثربخشی کلاسهای آموزشی

روش پژوهش

تکنیک به کار رفته در این پژوهش، تحقیق پیمایشی (Survey Research) است. بدین منظور پس از تعیین جامعه و شناخت منطقه مورد مطالعه، نخست یک مطالعهٔ راه‌ها به همراه تحلیل نتایج آن انجام گرفت. سپس، اصلاحات لازم در ابزار سنجش به عمل آمد. سرانجام نیز گردآوری اطلاعات از این جمعیت انجام شد.

جامعه مورد مطالعه

همهٔ زنان و دختران قالیبافی که در کلاسهای آموزش قالیبافی مدیریت ترویج سازمان جهاد (پیشین) استان کهگیلویه و بویراحمد شرکت کرده‌بودند، جامعه مورد مطالعه این پژوهش را تشکیل می‌دهند. از برگزاری این دوره‌ها، که هدف آن افزایش آگاهیها و مهارت زنان و دختران روستایی و ایجاد اشتغال و درآمد برای جامعه روستایی است، دست کم سه سال می‌گذرد. کل جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش نزدیک به ۱۲۰۰ نفر از فراگیران زن روستایی است. این فراگیران از سوی مدیریت ترویج جهاد استان کهگیلویه و بویراحمد در شهرستانهای یاسوج، گچساران و کهگیلویه ثبت نام شدند و دوره آموزشی را به پایان رساندند. شیوه اجرای این آموزشها عملی است و مریبان روستایی یا شهری آموزشگران آن به شمار می‌آیند.

نمونه‌گیری

با توجه به تعداد زیاد فراگیران شرکت کننده در این دوره‌ها، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی (Multistage Cluster Random Sampling) به کار رفت؛ بدین ترتیب که از هر شهرستان، که به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شده بود، سه دهستان و از هر دهستان دو روستا و از هر روستا هفت قالیباف به صورت تصادفی انتخاب گردید. بنابراین، در مجموع، ۱۲۶ قالیباف به عنوان عنصر (Element) مورد مطالعه انتخاب و با آنها مصاحبه شد.

ابزار سنجش

برای گردآوری اطلاعات این پژوهش، از پرسشنامه‌های نظر سنجی استفاده شد. در این پرسشنامه‌ها به منظور دقت بیشتر و درک دقیق نظر پاسخگویان، هر دو نوع پرسش باز و بسته (Open & Closed Ended Questions) به کار رفت. تمامی اطلاعات، با توجه به اهمیت و ضرورت دقت در گردآوری اطلاعات و نزدیکی بیشتر با پدیده، تنها از سوی پژوهشگر گردآوری شد.

آزمون ابزار سنجش

به منظور تعیین روایی (Validity) و پایایی (Reliability) ابزار سنجش و آزمون آن، یک مطالعه راهنما (Pilot Study) انجام گرفت. هدف از انجام این مطالعه، رفع نواقص احتمالی و در صورت نیاز، اصلاح ابزار سنجش بود. بدین منظور، نخست پرسشنامه‌ای طراحی و با نظر سنجی از پنج متخصص، اعتبار صوری (Face Validity) آن سنجیده شد؛ سپس، با انجام ۳۰ مصاحبه (با قالیبافی که خارج از نمونه انتخاب شده بودند)، مطالعه راهنما صورت پذیرفت. به منظور سنجش میزان پایایی پرسشهای طراحی شده برای سنجش متغیرهای مربوط به اثر بخشی، آزمون (Cronbach's Alpha) به کار رفت. مقدار این پارامتر برای مجموعه پرسشهایی که به منظور سنجش این متغیر در این مطالعه طراحی شد، چنین است:

$$\text{Cronbach's } \alpha = 0.72$$

که براساس نظر متخصصان در تأیید روایی، اصلاحات لازم انجام گرفت و پس از اطمینان از پایایی آن، فرم نهایی پرسشنامه تدوین و اطلاعات گردآوری شد.

یافته‌ها و بحث

تعیین اثربخشی

اثربخشی به عنوان متغیر وابسته این پژوهش و از جمع امتیازهای چند متغیر محاسبه

۱. رعایت نکته‌های بهداشتی

در این پژوهش، اثربخشی کلاسهای آموزشی را هنگامی می‌توان تعیین کرد که بدانیم فراگیران تا چه اندازه به آموزشها توجه کرده‌اند و آنها را در عمل به کار برده‌اند. یکی از این موارد، نکته‌های بهداشتی (همچون نور، رطوبت و مانند آن) در یک کارگاه قالیبافی است که با توجه به تدریس آن در کلاسهای آموزشی پیشگفته می‌توان آنها را سنجید. در این مورد، همان گونه که نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، بیشتر فراگیران به چهار نکته بهداشتی، که باید در قالیبافی رعایت شود، اشاره کرده‌اند که با فراوانی ۶۱ نفر (۵۰ درصد) بیشترین فراوانی است و نیمی از فراگیران را در برمی‌گیرد. پس از این مورد، بیشترین فراوانیها به فراگیری تعلق دارد که به یک یا سه نکته بهداشتی اشاره داشته‌اند. این گروه به ترتیب با فراوانیهای ۲۳ نفر (۱۸/۹ درصد) و ۲۲ نفر (۱۸ درصد) پس از گروه بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱. توزیع آزمودنیها بر حسب رعایت نکته‌های بهداشتی

درصد	فراوانی	تعداد نکته‌های بهداشتی بیان شده از سوی فراگیر
۱۸/۹	۲۳	یک نکته
۱۱/۵	۱۴	دو نکته
۱۸/۰	۲۲	سه نکته
۵۰/۰	۶۱	چهار نکته
۱/۶	۲	هیچ

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۱. عمده‌ترین این متغیرها در برگیرنده موارد زیر است:
 «میزان قالیبافی پیش از آغاز دوره، میزان قالیبافی پس از پایان دوره، رعایت نکته‌های بهداشتی، کاهش ضایعات مواد اولیه، توانایی عملی برای قالیبافی، افزایش تعداد قالیبافان پس از برگزاری کلاسهای آموزشی، میزان قالیبافی پیش از شرکت در کلاسهای آموزشی و میزان قالیبافی پس از شرکت در کلاسهای آموزشی»

۲. کاهش ضایعات مواد اولیه

از دیگر موارد تعیین اثربخشی کلاسها، میزان تأثیر این کلاسها در کاهش ضایعات مواد اولیه‌ای است که در ساخت قالی به کار می‌رود. چنانکه جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، بیشترین فراوانی در این مورد، به گزینه "زیاد" مربوط می‌شود که با فراوانی ۲۰ نفر (۳/۱۶ درصد) بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. پس از این گزینه، به ترتیب گزینه‌های "متوسط" و خیلی زیاد" با فراوانیهای ۳۰ نفر (۴/۲۴ درصد) و ۲۰ نفر (۳/۱۶ درصد) قرار دارد که بیشترین فراوانی را نشان می‌دهد. با توجه به انتخاب نشدن گزینه "هیچ" از سوی هیچ‌یک از فراگیران می‌توان نتیجه گرفت که اغلب ضایعات مواد اولیه آنها پس از شرکت در کلاسهای آموزشی کاهش یافته است.

جدول شماره ۲. میزان تأثیر کلاسها در کاهش ضایعات مواد اولیه

براساس نظر آزمودنیها

درصد	فراوانی	میزان تأثیر کلاسهای آموزشی در کاهش ضایعات مواد اولیه
۰	۰	هیچ
۴/۹	۶	کم
۲۴/۹	۳۰	متوسط
۵۴/۵	۶۷	زیاد
۱۶/۳	۲۰	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۲۳	جمع

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۳. توانایی عملی برای قالببافی

"توانایی عملی برای قالببافی"، پس از شرکت در کلاسهای آموزشی، بعد دیگری از ابعاد موفقیت کلاسهای آموزشی و در نتیجه، افزایش اثربخشی این کلاسهاست که در این مطالعه مورد

سنجش قرار گرفته و نتایج آن در جدول شماره ۳ آمده است. همان گونه که این جدول نشان می‌دهد، بیشتر فراگیران (۱۰۱ نفر برابر ۸۱/۵ درصد) مدعی‌اند که پس از شرکت در کلاسهای آموزشی، توانایی عملی برای قالبیابی یافته‌اند و تنها ۲۳ نفر (۱۸/۵ درصد) ناتوانایی خود را در قالبیابی، پس از شرکت در این کلاسها، اعلام کرده‌اند. بنابراین، از نظر توانایی عملی قالبیابی، کلاسهای آموزشی توفیق نسبی خوبی داشته است.

جدول شماره ۳. توانایی عملی برای قالبیابی پس از شرکت در دوره

درصد	فراوانی	آیا اکنون عملاً توانایی قالبیابی دارید؟
۸۱/۵	۱۰۱	بلی
۱۸/۵	۲۳	خیر

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۴. افزایش تعداد قالبیافان پس از برگزاری کلاسهای آموزشی

این پرسش که «آیا بعد از اجرای آموزش، به تعداد قالبیافان روستا افزوده شده است؟» به منظور تعیین تأثیر کلاسها در افزایش تعداد قالبیافان و ایجاد اشتغال بیشتر در روستا، از جمعیت مورد مطالعه پرسیده شد. چنانکه از جدول شماره ۴ پیداست، در این زمینه نیز بیشتر فراگیران (۷۴ نفر برابر ۶۰/۲ درصد) بر این باورند که تعداد فراگیران پس از اجرای کلاسهای آموزشی در روستا افزایش یافته، در حالی که شمار کمتری از آنها (۴۹ نفر یا ۳۹/۸ درصد) معتقدند که این تعداد افزایش نیافته است.

جدول شماره ۴. تأثیر کلاسهای آموزشی در افزایش یا کاهش تعداد قالبیافان

درصد	فراوانی	آیا بعد از اجرای آموزش، به تعداد قالبیافان روستا افزوده شده است؟
۶۰/۲	۷۴	بلی
۳۹/۸	۴۹	خیر

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۵. میزان قالبیابی پیش از شرکت در کلاسهای آموزشی

میزان قالبیابی پیش از شرکت در کلاسهای آموزشی از دیگر مواردی است که به منظور تعیین تأثیر اثربخشی مورد سنجش قرار گرفت. برای تعیین این تأثیر، نخست میزان قالبیابی پیش از شرکت در این دوره‌ها سنجیده شد. نتایج این سنجش، پس از طبقه‌بندی دوباره، در جدول شماره ۵ آمده است. همان گونه که این جدول نشان می‌دهد، بیشترین فراوانی در این زمینه به طبقه "هیچ" یا بدون تولید تعلق دارد که برابر ۸۲ نفر (۷۲/۶ درصد) و نزدیک به سه چهارم از فراگیران است. پس از این طبقه و با اختلافی زیاد، طبقات تولیدی ۱-۵ متر و ۶-۱۰ متر قرار دارند که هر دو با فراوانی یکسانی (برابر ۱۱ نفر یا ۹/۷ درصد)، بیشترین فراوانی را پس از طبقه هیچ داشته‌اند. کمترین فراوانی به بالاترین طبقه (۱۶ متر و بیشتر) مربوط می‌شود. همچنین میانگین ۲/۳۴ متری تولید سالانه فراگیران پیش از آموزش، خود نشان‌دهنده تولید پایین آنهاست.

جدول شماره ۵. میزان قالبیابی پیش از شرکت در کلاسهای آموزشی

درصد	فراوانی	میزان قالبیابی پیش از آموزش
۷۲/۶	۸۲	هیچ
۹/۷	۱۱	۱-۵ متر
۹/۷	۱۱	۶-۱۰ متر
۶/۲	۷	۱۱-۱۵ متر
۱/۸	۲	۱۶ متر و بیشتر
۱۰۰	۱۱۳	جمع

میانگین: ۲/۳۴ متر در سال

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۶. میزان قالبیابی پس از شرکت در کلاسهای آموزشی

جدول شماره ۶ میزان تولیدات قالبی را پس از شرکت در کلاسهای آموزشی نشان می‌دهد. چنانکه از این جدول پیداست، در این زمینه نیز بیشترین و کمترین فراوانی به ترتیب به طبقات

بدون تولید (با فراوانی ۷۰ نفر یا ۵۹/۸ درصد) و ۱۶ متر و بیشتر (با فراوانی یک نفر یا ۰/۸ درصد) تعلق دارد. در حالی که میانگین تولید قالی پس از آموزش (۲/۷۹ متر) بیشتر از قبل از آن است. با این حال، تفاوت یاد شده (کمتر از نیم متر) آنچنان زیاد نیست که معنی‌دار باشد و بتوان آن را معلول برگزاری و شرکت در کلاسهای آموزشی دانست. این موضوع هنگامی بیشتر تأیید می‌شود که بدانیم در مقایسه میانگینها در آزمون تی (T-test) نیز این تفاوت معنی‌دار نیست ($T=1/39, P=0/16$).

جدول شماره ۶ توزیع فراگیران براساس میزان تولید قالی پس از

شرکت در دوره‌های آموزشی

درصد	فراوانی	میزان قالبیابی پس از آموزش
۵۹/۸	۷۰	هیچ
۱۵/۴	۱۸	۱-۵ متر
۱۹/۷	۲۳	۶-۱۰ متر
۴/۳	۵	۱۱-۱۵ متر
۰/۸	۱	۱۶ متر و بیشتر
۱۰۰	۱۱۷	جمع

میانگین: ۲/۷۹ متر

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۷. امتیاز اثربخشی

سرانجام، اثربخشی به عنوان متغیر وابسته این پژوهش از جمع امتیازهای ۱۰ متغیر، محاسبه^۱ و به منظور درک بهتر، به طبقات ۱۰ امتیازی تقسیم شد. جدول شماره ۷ توزیع این طبقات را نشان می‌دهد. چنانکه از این جدول پیداست، بیشترین فراوانی به طبقه ۲۱ تا ۳۰

۱. به برخی از این متغیرها (متغیرهایی که شرح آنها در بخش محاسبه امتیاز اثربخشی انجام گرفت) در بالا اشاره شده و به برخی نیز، به علت تشریحی بودن، اشاره نشده است.

امتیازی تعلق دارد که با فراوانی ۵۲ نفر (۴۱/۳ درصد) بیشترین فراوانی را به خود اختصاص می‌دهد. پس از این طبقه، طبقه ۳۱ تا ۴۰ امتیازی است که با فراوانی ۳۹ نفر (۳۱ درصد)، پس از طبقه پیشگفته، بیشترین فراوانی را دارد. بعد از این طبقه و با اختلافی ناچیز، طبقه ۱۱ تا ۲۰ امتیازی با فراوانی ۳۱ نفر (۲۴/۶ درصد) است و کمترین فراوانی نیز به پایینترین طبقه امتیازی با فراوانی ۴ نفر (۳/۲ درصد) تعلق دارد. این جدول همچنین نشان می‌دهد که میانگین اثربخشی ۲۵/۶۱ امتیاز است (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷. توزیع فراگیران براساس امتیاز اثربخشی

درصد	فراوانی	امتیاز اثربخشی
۳/۲	۴	۱۰-۰
۲۴/۶	۳۱	۲۰-۱۱
۴۱/۳	۵۲	۳۰-۲۱
۳۱/۰	۳۹	۴۰-۳۱

میانگین: ۲۵/۶۱ متر

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مقایسه میانگینها

۱. میانگین درآمد ماهانه فراگیران در مناطق مورد مطالعه

جدول شماره ۸ میانگین درآمد ماهانه فراگیران را در سه شهرستان مورد مطالعه یعنی بویراحمد، گچساران و کهگیلویه نشان می‌دهد. همان گونه که در این جدول ملاحظه می‌شود، میانگین درآمد فراگیران در شهرستان گچساران بیشتر از دو شهرستان دیگر و در سطح معنیداری در آزمون LSD است ($P=0/05$) بدین معنا که میانگین درآمد ماهانه فراگیران در این شهرستان ۲۲۹۱۱۰ ریال است که افزون بر دو برابر شهرستان کهگیلویه و بیش از ۱۰۰۰۰۰۰ ریال بیشتر از شهرستان بویراحمد است.

جدول شماره ۸. مقایسه شهرستانها از نظر میانگین درآمد ماهانه فراگیران

(نتایج تحلیل واریانس)

شهرستان	میانگین درآمد ماهانه (ریال)	انحراف معیار
بویراحد	۱۲۰۰۰۰a*	۱۷۲۴۷/۳۶
گچساران	۲۲۹۱۱۰b	۲۵۶۳۴/۲۱
کهگیلویه	۱۰۰۰۰۰a	۲۲۹۱۲/۸۷

* حروف یکسان نشاندهنده نبود تفاوت معنیدار در آزمون LSD ($P=0/05$) است.

$$F=۲/۶۷, P=0/0۲$$

ماخذ: یافته‌های تحقیق

۲. میانگین درآمد سالانه فراگیران از شغل قالبیابی در مناطق مورد مطالعه

جدول شماره ۹ میزان درآمد سالانه فراگیران را از شغل قالبیابی نشان می‌دهد. چنانکه از این جدول پیداست، در این زمینه نیز شهرستان گچساران با میانگین ۸۷۵۰۰۰ ریال با دو شهرستان دیگر تفاوت زیاد و معنیداری دارد، بدین معنا که با توجه به مقادیر درآمدی دو شهرستان دیگر (به ترتیب ۱۴۵۶۶۰ و ۲۰۲۲۷۰ ریال) می‌توان دریافت که درآمد فراگیران در شهرستان گچساران نزدیک به ۴ برابر شهرستان کهگیلویه و ۶ برابر شهرستان بویراحد است.

جدول شماره ۹. مقایسه شهرستانها از نظر میانگین درآمد سالانه فراگیران از

قالبیابی (نتایج تحلیل واریانس)

شهرستان	میانگین درآمد سالانه از قالبیابی (ریال)	انحراف معیار
بویراحد	۱۴۵۶۶۰a*	۳۱۷۱۳/۵۶
گچساران	۸۷۵۰۰۰b	۱۲۶۳۸۴/۷۵
کهگیلویه	۲۰۲۲۷۰a	۴۷۸۳۸/۱۸

* حروف یکسان نشاندهنده نبود تفاوت معنیدار در آزمون LSD ($P=0/05$) است.

$$F=۱۱/۲۲, P=0/0۰$$

ماخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول پیشین، که موقعیت برتر شرایط اقتصادی را در شهرستان گچساران نشان می‌دهد، این نتیجه نیز منطقی به نظر می‌رسد. به دیگر سخن، با عنایت به نقش درآمد از حرفه قالیبافی در بهبود شرایط اقتصادی، می‌توان یافته یادشده را تأیید کرد و منطقی دانست.

۳. میانگین تولید قالی فراگیران پیش از شرکت در کلاسهای آموزشی در مناطق مورد مطالعه از نظر میزان تولید قالی فراگیران پیش از شرکت در کلاسهای آموزشی نیز میان سه شهرستان مورد مطالعه تفاوتی مشاهده می‌شود. بدین ترتیب، چنانکه جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد، پیش از آغاز دوره، بالاترین میزان تولید قالی را شهرستان بویراحد با میانگین تولید ۳/۲۶ متر مربع به خود اختصاص می‌دهد که با اختلاف ناچیزی از آن، شهرستان گچساران با ۳/۰۶ متر مربع قرار می‌گیرد. دو شهرستان پیشگفته با داشتن اختلاف زیاد و معنیداری با شهرستان کهگیلویه، که میانگین تولید بسیار کمی دارد (۰/۱۸ مترمربع)، پس از آن قرار می‌گیرند. این موضوع بدین معناست که دو شهرستان یادشده تولید به نسبت نزدیکی دارند و شهرستان کهگیلویه، پیش از برگزاری کلاسهای آموزشی، تولید ناچیزی داشته است (جدول شماره ۱۰).

جدول شماره ۱۰. مقایسه شهرستانها از نظر میانگین تولید قالی فراگیران پیش از

شرکت در دوره‌های آموزشی (نتایج تحلیل واریانس)

شهرستان	میانگین تولید قالی (متر)	انحراف معیار
بویراحد	۳/۲۶a*	۵/۱۸
گچساران	۳/۰۶b	۶/۱۳
کهگیلویه	۰/۱۸a	۰/۷۸

* حروف یکسان نشاندهنده نبود تفاوت معنی‌دار در آزمون LSD ($P=0/05$) است.

$$F=4/42, P=0/01$$

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۴. میانگین تولید قالی فراگیران پس از شرکت در کلاسهای آموزشی در مناطق مورد مطالعه اینک، چنانچه به میانگین تولید قالی پس از برگزاری کلاسهای آموزشی توجه کنیم، در می یابیم که پس از اجرای دوره های آموزشی، از نظر تولید قالی، شهرستان گچساران با میانگین تولیدی برابر ۵/۰۶ مترمربع در صدر قرار دارد و اختلاف زیاد و معنیداری با دو شهرستان بویراحمد با تولید ۲/۴۵ مترمربع و کهگیلویه با تولید ۱/۰۳ مترمربع دارد. این موضوع بدین معناست که در شهرستان گچساران، پس از اجرای دوره های آموزشی، تولید قالی و قالیبافی نسبت به دو شهرستان دیگر رونق بیشتری یافته است. با وجود این، شهرستان کهگیلویه باز هم از دو شهرستان دیگر در سطح پایینتری قرار گرفته است (جدول شماره ۱۱).

جدول شماره ۱۱. مقایسه شهرستانها از نظر میانگین تولید قالی فراگیران پس از شرکت در دوره های آموزشی (نتایج تحلیل واریانس)

شهرستان	میانگین تولید قالی (مترمربع)	انحراف معیار
بویراحمد	۲/۴۵a*	۳/۶۸
گچساران	۵/۰۶b	۵/۱۶
کهگیلویه	۱/۰۳a	۲/۰۳

* حروف یکسان نشاندهنده نبود تفاوت معنیدار در آزمون LSD ($P=0/05$) است.

$$F=9/52, P=0/00$$

مأخذ: یافته های تحقیق

۵. مقایسه منابع درآمد فراگیران از نظر امتیاز اثربخشی

از دیگر مواردی که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شد، میانگین اثربخشی در مشاغل است که فراگیران از راه آن امرار معاش می کنند. همان گونه که جدول شماره ۱۲ نشان می دهد، میانگین اثربخشی مشاغل "آموزشی (معلمی)، کارگری، کشاورزی و کارمندی" با هم تفاوت چندانی ندارد. ولی فراگیرانی که از راه قالیبافی به امرار معاش می پردازند، اثربخشی کلاسهای آموزشی را بیشتر و در سطحی معنیدار نسبت به مشاغل دیگر و امتیاز آن را ۳۲/۸۹ ارزیابی

می‌کنند که در مقایسه با چهار شغل دیگر اختلاف زیادی نشان می‌دهد. این امر خود گویای اهمیت گروه هدف در توفیق برنامه‌های آموزشی است.

جدول شماره ۱۲. مقایسه منابع درآمد فراگیران از نظر میانگین امتیاز اثربخشی دوره‌های آموزشی (نتایج تحلیل واریانس)

مشاغل	میانگین امتیاز اثربخشی	انحراف معیار
قالیبافی	۳۲/۸۹b*	۵/۰۱۰
معلمی	۲۵/۶۶a	۶/۵۰
کارگری	۲۲/۸۵a	۸/۱۳
کشاورزی	۲۴/۸۰a	۷/۵۹
کارمندی	۲۲/۵۰a	۴/۵۰

* حروف یکسان نشان‌دهنده نبود تفاوت معنی‌دار در آزمون LSD ($P=0/05$) است.

$$F=7/21, P=0/00$$

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۶. علاقه فراگیران و امتیاز اثربخشی

از نظر میزان علاقه، فراگیران امتیازهای گوناگونی به اثربخشی داده‌اند. جدول شماره ۱۳ نتایج آزمون تحلیل واریانس را در این زمینه نشان می‌دهد، بدین معنا که فراگیرانی که هیچ‌گونه علاقه‌ای به حرفه قالیبافی نداشته‌اند، نسبت به همه فراگیران به اثربخشی امتیاز کمتری داده‌اند. در این باره، چنانکه از جدول ۱۳ پیداست، فراگیرانی که علاقه "خیلی زیاد" به این حرفه داشته‌اند، بیش از دیگر گروه‌ها دوره‌های آموزشی را مؤثر دانسته‌اند و امتیاز اثربخشی آنها بالاتر از دیگر گروه‌هاست. این گروه با میانگین اثربخشی ۲۶/۸۳ نمره، در بالاترین سطح قرار گرفته است و با فراگیران بدون علاقه (گزینه هیچ) اختلاف زیادی دارد، در حالی که فراگیرانی که علاقه آنها به قالیبافی "کم" و یا "متوسط" است، با گروه‌های دیگر اختلاف معنی‌داری ندارند (جدول شماره ۱۳). این موضوع اهمیت علاقه فراگیران را در توفیق هدفهای آموزشی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۳. مقایسه میزان علاقه فراگیران از نظر میانگین امتیاز اثربخشی

دوره‌های آموزشی (نتایج تحلیل واریانس)

میزان علاقه به شغل قالبیابی	میانگین امتیاز اثربخشی	انحراف معیار
هیچ	۱۵/۵۰a*	۸/۱۰
کم	۲۱/۱۶ab	۸/۴۲
متوسط	۲۲/۶۶ab	۸/۰۲
زیاد	۲۶/۰۴b	۶/۲۴
خیلی زیاد	۲۶/۸۳b	۸/۲۷

* حروف یکسان نشان‌دهنده نبود تفاوت معنی‌دار در آزمون LSD ($P=0/05$) است.

$$F=3/14, P=0/01$$

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۷. خودباوری و میانگین تولید قالی

به منظور ارزیابی و مقایسه میزان تولید قالی فراگیرانی که به توانایی عملی خود در قالبیابی و آنهایی که به ناتوانی خود در این کار باور دارند، از آزمون T استفاده شد. جدول شماره ۱۴ نتایج این تحلیل را نشان می‌دهد. چنانکه از این جدول پیداست، هر چند که پیش از شرکت در دوره، میانگین تولید قالی فراگیران خودباور بیشتر از فراگیرانی است که به ناتوانایی خود معترفند، ولی این اختلاف معنی‌دار نیست و مقدار T بسیار کوچک است ($0/21 = T=1/58P$)، در حالی که این اختلاف پس از شرکت در کلاسهای آموزشی بسیار بیشتر و معنی‌دار شده است ($T=42/70, P=0/00$). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این کلاسها برای افرادی که به تواناییهای خود بیشتر باور دارند، بسیار مؤثرتر بوده است. به دیگر سخن، کلاسهای یادشده به این افراد کمک کرده است تا بتوانند تواناییهای خود را بیش از پیش تکمیل کنند و به آن باور داشته باشند.

جدول شماره ۱۴. مقایسه خودباوری فراگیران در زمینه توانایی عملی برای
 قالیبافی و میانگین تولید قالی قبل و بعد از شرکت در دوره‌های آموزشی

(نتایج آزمون T)

انحراف معیار	میانگین تولید قالی (مترمربع) پس از شرکت در دوره	انحراف معیار	میانگین تولید قالی (مترمربع) پیش از شرکت در دوره	خودباوری
۰/۸۵	۰/۱۸	۴/۶۷	۱/۳۶	خیر
۴/۳۲	۳/۳۶	۴/۹۴	۲/۶۰	بلی

$$T=۴۲/۷۰, P=۰/۰۰$$

$$T=۱/۵۸, P=۰/۲۱$$

مأخذ: یافته‌های تحقیق

به نظر می‌رسد این کاهش (کاهش تولید افراد خودناباور)، بدین دلیل باشد که به احتمال
 چون افراد دارای خودباوری منفی، پیش از آموزش، به شیوه سنتی به تولید قالی پرداخته‌اند، پس
 از شرکت در کلاسهای آموزشی، به دلیل داشتن انگاره‌های سنتی، شیوه‌های پیشنهادی (نوین) را
 نپذیرفته‌اند و ادامه نداده‌اند.

۸. خودباوری و امتیاز اثربخشی

خودباوری فراگیران، در چارچوب توانایی عملی آنها برای قالیبافی تحلیل شد. نتایج این
 تحلیل در جدول شماره ۱۵ آمده است. همان گونه که این جدول نشان می‌دهد، میان فراگیرانی که
 مدعی توانایی عملی برای بافت قالی‌اند با فراگیرانی که به ناتوانی خود در این مورد اعتراف
 دارند، از نظر امتیاز اثربخشی، تفاوت زیادی دیده می‌شود. در این باره، چنانکه آزمون T نشان
 می‌دهد، فراگیران دارای این توانایی، امتیاز ۲۷/۷۶ کسب کرده‌اند و فراگیرانی که احساس
 ناتوانی داشته‌اند امتیاز ۱۶/۷۳ گرفته‌اند. از آنجا که آزمون T در سطح ۰/۰۲ معنی‌دار است،
 نتیجه پیشگفته پذیرفتنی است و این آزمون اهمیت خودباوری را در توفیق هدفهای آموزشی
 نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۵. مقایسه خودباوری فراگیران در زمینه توانایی عملی برای
 قالبیابی و میانگین امتیاز اثربخشی دوره‌های آموزشی (نتایج آزمون T)

انحراف معیار	میانگین امتیاز اثربخشی	خودباوری
۵/۲۴	۱۶/۷۳	خیر
۶/۸۸	۲۷/۷۶	بلی

$$T=۵/۰۸, P=۰/۰۲$$

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۹. دریافت اعتبار/خدمات و امتیاز اثربخشی

به منظور درک اهمیت و تأثیر انواع خدمات دریافت شده از سوی فراگیران در موفقیت یا ناکامی کلاسهای آموزشی، به تحلیل واریانس میان انواع خدماتی که فراگیران دریافت کرده‌اند و میانگین امتیاز اثربخشی پرداخته است. نتایج این تحلیل در جدول شماره ۱۶ آمده است. همان گونه که این جدول نشان می‌دهد، میان گروه‌های مختلف در این زمینه، تفاوت محسوس و معنیداری دیده می‌شود، به طوری که فراگیرانی که خدمات را در چارچوب امکانات و وسایل قالبیابی دریافت کرده‌اند، میانگین امتیاز اثربخشی بیشتری نسبت به دیگران داشته‌اند. این افراد، با ۳۲/۲۸ امتیاز، اثربخشی کلاسهای آموزشی را نسبت به دیگران بیشتر و معنیدار ارزیابی کرده‌اند. از سوی دیگر، افراد دریافت کننده وام، کمترین امتیاز را در این زمینه کسب کرده‌اند. این موضوع، اهمیت انواع (یا نوع) خدمات و تسهیلاتی را که در اختیار فراگیران قرار می‌گیرد، در موفقیت دوره‌های آموزشی نشان می‌دهد.

۱۰. تعداد دفعات شرکت در کلاس و اثربخشی دوره‌های آموزشی

به منظور تعیین تعداد دفعات برگزاری کلاسهای آموزشی با اثربخشی، به تحلیل واریانس

Archive of SID
 پرداخته شد. براین اساس افراد به گروههای گوناگون تقسیم شدند. چنانکه که جدول شماره ۱۷ نشان می‌دهد، بیشترین امتیاز اثربخشی را در این زمینه افرادی گرفته‌اند که سه بار در این کلاسها شرکت کرده‌اند. این افراد، با میانگین امتیاز اثربخشی بالاتری نسبت به دیگران (۳۱/۱۳)، برگزاری و شرکت در این دوره‌ها را مؤثرتر دانسته‌اند، در حالی که برخلاف انتظار، افرادی که دوبار در این کلاسها شرکت کرده‌اند، امتیاز پایینتری به اثربخشی داده‌اند تا افرادی که شرکت آنها در کلاسهای پیشگفته تنها یک بار بوده است. این موضوع بدین معناست که افرادی که یک بار در کلاسهای یاد شده شرکت کرده‌اند، اثربخشی این کلاسها را بیشتر دانسته‌اند و به آن امتیاز بالاتری داده‌اند (۲۵/۹۶ در برابر ۲۲/۶۰). علت این امر آن است که یا دوره یاد شده (کلاسهای مرتبه دوم) به شکل ضعیفی برگزار شده است که فراگیران چندان از آن رضایت نداشته‌اند و آن را اثربخش ندانسته‌اند و یا انتخاب محتوای کلاسهای پیشگفته (کلاسهای دوره دوم) به گونه‌ای بوده که نسبت به دوره اول تکراری شده است.

جدول شماره ۱۶. مقایسه میانگین امتیاز اثربخشی در انواع خدمات دریافت شده از سوی فراگیران (نتایج تحلیل واریانس)

انحراف معیار	میانگین امتیاز اثربخشی	دریافت اعتبار/خدمات
۷/۳۲	۲۳/۹۵a*	دریافت وام
۵/۱۵	۳۲/۲۸b	امکانات و وسایل قالبیافی
۷/۶۸	۲۴/۱۰a	دریافت نکردن هرگونه خدمات

* حروف یکسان نشان‌دهنده نبود تفاوت معنی‌دار در آزمون LSD (P=۰/۰۵) است.

$$F=۷/۶۴, P=۰/۰۰$$

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۱۷. مقایسه تعداد دفعات شرکت در کلاس از نظر میانگین امتیاز

اثر بخشی دوره‌های آموزشی (نتایج تحلیل واریانس)

انحراف معیار	میانگین امتیاز اثربخشی	دفعات شرکت در کلاس
۷/۶۰	۲۵/۹۶b*	یک‌بار
۷/۹۷	۲۲/۶۰a	دو‌بار
۶/۰۶	۳۱/۱۳c	سه بار

* حروف مختلف نشان‌دهنده وجود تفاوت معنی‌دار در آزمون LSD ($P=0/05$) است.

$$F=6/47, P=0/00$$

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های این پژوهش نشان داد که از نظر مقایسه میانگینها، نتایج متفاوتی میان سه

شهرستان و متغیرهای دیگر دیده می‌شود:

۱. "درآمد ماهانه فراگیر" در سه شهرستان بویراحد، گچساران و کهگیلویه متفاوت

است. بیشترین درآمد ماهانه به شهرستان گچساران و کمترین آن به شهرستان کهگیلویه اختصاص دارد که از نظر آماری نیز معنی‌دار است. همچنین از نظر میانگین "درآمد سالانه فراگیر از شغل قالببافی"، در مقایسه با دیگر شهرستانها، بیشترین درآمد باز هم به گچساران اختصاص دارد. این موضوع بدان معناست که درآمد فراگیران در این شهرستان، هم از شغل قالببافی و هم از دیگر منابع درآمدی، بیشتر از دیگر شهرستانهاست.

۲. از نظر میانگین "تولید قالی"، میان سه شهرستان تفاوت‌های زیادی به چشم می‌خورد،

چنانکه تولید قالی فراگیران، پیش از شرکت در کلاسهای آموزشی، در شهرستان بویراحد (به طور معنی‌داری) بیشتر از گچساران و گچساران نیز بیشتر از کهگیلویه است، در حالی که پس از شرکت در دوره‌های آموزشی، این نسبت باز هم به سود شهرستان گچساران تغییر می‌یابد؛ بدین معنا که می‌توان گفت: میانگین تولید قالی در این شهرستان به طور معنی‌داری از دو شهرستان

دیگر بیشتر است.

۳. از نظر میانگین امتیاز اثربخشی، در میان انواع مشاغل، حرفه قالببافی بیشترین امتیاز را به خود اختصاص می‌دهد. به دیگر سخن، فراگیرانی که به شغل قالببافی اشتغال دارند، بیش از دیگر فراگیران، دوره‌های آموزشی را اثربخش ارزیابی می‌کنند. همچنین فراگیرانی که علاقه "زیاد و بسیار زیادی" به این حرفه دارند (به طور معنیداری) بیش از فراگیرانی که به این شغل "هیچ" گونه علاقه‌ای ندارند، دوره‌های یادشده را اثربخش تر دانسته‌اند و امتیاز بیشتری در این زمینه کسب کرده‌اند.

۴. خودباوری فراگیران در زمینه "توانایی عملی برای قالببافی" پس از شرکت در کلاسهای آموزشی (به طور معنیداری) افزایش می‌یابد و این فراگیران بیشتر از افرادی که در خود چنین توانایی را نمی‌بینند، دوره‌های یادشده را اثربخش ارزیابی می‌کنند. این موضوع زمانی بیشتر تأیید می‌شود که بدانیم این افراد (خودباوران)، پس از شرکت در دوره‌های قالببافی، میانگین تولید قالی بیشتری نسبت به دیگران دارند.

۵. میانگین امتیاز اثربخشی در مورد فراگیرانی که امکانات و تسهیلات قالببافی را دریافت کرده‌اند (به طور معنیداری) بیشتر از فراگیرانی است که این تسهیلات را دریافت نکرده‌اند. این موضوع اهمیت تسهیلات و چگونگی واگذاری آنها را به شکل کمکهای غیرمادی، به عنوان مکمل فعالیتهای آموزشی، نشان می‌دهد.

۶. سرانجام، با مقایسه تعداد دفعات مشارکت فراگیران در دوره‌های آموزشی می‌توان دریافت که فراگیرانی که سه بار در این دوره‌ها شرکت کرده‌اند، امتیاز اثربخشی بیشتری نسبت به دیگر فراگیران کسب کرده‌اند. این موضوع تعداد بهینه برگزاری و شرکت فراگیران را در کلاسهای آموزشی نشان می‌دهد (سه دوره).

پیشنهاها

۱. با توجه به نتایج پیشگفته پیشنهادهای زیر ارائه می شود:
به منظور توفیق هرچه بیشتر دوره های آموزشی قالبیابی باید از فراگیرانی دعوت شود که علاقه واقعی و رضایت کامل نسبت به حرفه قالبیابی داشته باشند.
۲. همچنین به منظور توفیق این کلاسها فراگیران باید از نظر میزان سواد به گروههای مختلف تقسیم شوند و براساس سطح سواد هر طبقه، محتوای آموزشی تعیین شود.
۳. با توجه به تأثیر خودباوری فراگیران در افزایش تولید قالی و اثربخشی، برای توفیق هرچه بیشتر دوره های آموزشی قالبیابی، پیشنهاد می شود محتوای این دوره ها تا حد امکان "عملی" باشد تا توانایی عملی فراگیر را در تولید قالی و قالبیابی افزایش دهد.
۴. سرانجام نیز به منظور توفیق هرچه بیشتر این برنامه ها، انتخاب بهینه و مناسب سه دوره آموزشی پیشنهاد می شود.

سیاسگزاری

این طرح تحقیقاتی با تصویب و حمایت شورای محترم پژوهشی دانشگاه شیراز و با همکاری سازمان جهاد سازندگی (پیشین) استان کهگیلویه و بویراحمد انجام شده است که بدینوسیله از تمامی عزیزانی که در مراحل مختلف این تحقیق یاریمان کرده اند، سپاسگزاری می شود.

۱. بولا، س. (۱۳۵۹). ارزشیابی آموزشی و کاربرد آن در سوادآموزی تابعی. ترجمه عباس بازرگان، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۲. سپیرسد، جی. و ق. ا. ج. هندرسون (۱۳۷۰). ارزشیابی برنامه‌های ترویج، در: مرجع ترویج کشاورزی. (ص ۵۲۰ تا ۵۶۰)، ترجمه اسماعیل شهبازی و احمد حجاران، ویراستار برتون سوان سون. سازمان ترویج کشاورزی، تهران.
۳. کاظمی، سیدعباس (۱۳۷۵). طراحی الگوهای اثربخشی سازمانی با تأکید بر معیارهای فرهنگی سازمانی، رساله دوره دکتری، رشته مدیریت دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱۵ تا ۱۶.
۴. مدیریت ترویج و مشارکت مردمی خراسان (۱۳۷۲). گزارش ارزشیابی دوره‌های قالبیابی، مدیریت ترویج و مشارکت مردمی خراسان، مشهد.
۵. مرجانی، مهناز (۱۳۷۷). سیرتکوینی آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران. مجله هماهنگ، شماره ۴۵: ۳۰-۳۴.
6. Hyman, E.L. (1985). Monitoring and evaluation of forestry projects for local community development, *Agricultural Administration*, No. 19(3):139-160.
7. McCaslin, N.L. and R.M. Torres (1998). Using evaluation to strenghten programs, *Agricultural Education Magazine*. No. 66(1):2-23.
8. Patton, M. (1987). How to use qualitative methods in evaluation? SAGE publications, California.